

گفتاری پیرامون جایگاه مادّیات در حیات شخصی

هوشمند بدیعی

در بین جمیع مخلوقات، انسان از زمانی که بدنیا می‌آید تا زمانی که این دنیا را ترک میکند احتیاج به مواظبت و عشق و محبت اطرافیان خود دارد. از این رو، نه تنها انسان در دنیائی زندگی میکند که رابط نزدیک و مستقیم با مادّیات دارد، بلکه در عین حال به روحانیات و عواطف معنوی نیز وابستگی دارد. به عبارت دیگر، انسان در آن واحد در دو دنیا زندگی میکند و هر دو دنیا در این عالم است، یکی دنیای مادّیات است و دیگری دنیای روحانیات. یکی دنیائیسست که میتوان آن را حس کرد و به عالم فیزیکی معروف است، و دیگری دنیای ماورای حس است که وجود دارد، ولکن نمیتوان آن را با استفاده از حواس جسمی حس نمود. هر دو دنیا، هرچند مستقل از یکدیگر هستند ولی در عین حال مکمل یکدیگر نیز میباشند.

در خصوص دنیای روحانیات و دنیای مادّیات به دو بیان اشاره میشود. در این بیان حضرت بهاءالله میفرماید: "هر گاه که خداوند بپیمانند پیغمبری را به سوی مردمان فرستاد بگفتار و رفتاری که سزاوار آن روز بود نمودار شد. خواست یزدان از پدیداری فرستادگان دو چیز بود، نخستین رهانیدن مردمان از تیرگی نادانی و رهنمائی بروشنائی دانائی، دویم آسایش ایشان و شناختن و دانستن راههای آن." ^۱ در این بیان ملاحظه میشود که دنیای روحانیات و رسیدن به آن از طریق رهانیدن مردمان از تیرگی مردمان از تیرگی نادانی و رهنمائی بروشنائی دانائیسست، و دنیای مادّیات در این بیان اشاره به آسایش مردمان و شناختن راههای آن است. حضرت عبدالبهاء نیز در بیانی میفرماید: "مقصود اصلی از انزال شرایع مقدسه سعادت اخروی، تمدن دنیوی، و تهذیب اخلاق...^۲ میباشد. در این بیان نیز دنیای روحانیات در سعادت اخرویسست و دنیای مادّیات در تمدن دنیوی. هر دو دنیای فیزیکی و ماورای فیزیکی در این بیانات واضح و روشن است. یکی از خصوصیات دنیای فیزیکی و یا دنیای حس و یا دنیای لمس در رابطه با امورمادی است که بدون شک در جمیع مراحل زندگی با آن مواجه هستیم. دنیای روحانیات در رابطه با امور غیر قابل لمس است مانند عشق و غم و سرور. مثلاً در دنیای خانواده از قوای ماورای حس استفاده فراوان میشود.

عنوان این مقاله میرساند که تمرکز ما در رابطه با نقش مادیات در حیات شخص است. البته جایگاه روحانیات در حیات شخصی و خانوادگی و در کل جامعه در آثار مبارکه بسیار روشن است و آن اینکه روحانیات پایه و اساس نشاط و سرور ابدیست. حضرت عبدالبهاء میفرماید: "انسان به حیات روحانی انسان است و سبب این حیات کمالات معنوی و صفات رحمانی است و خدمت به عالم انسانی و استفاضه از فیوضات باقیه و اخلاق حسنه و یگانگی و محبت الله و فرزانی و معرفت الله و الا اگر مراد حیات جسمانی باشد این خلقت نتیجه‌ای ندارد و انسان شرافت و برتری از سایر مخلوقات نیابد."^۳ بر طبق این بیان انسان از لحاظ روحانی انسان است و مادیات به تنهایی قادر نیستند سعادت حقیقی او را فراهم سازند. از این رو پیشرفت مادی انسان منوط به پیشرفت روحانی اوست. حضرت عبدالبهاء در بیانی دیگر میفرماید: "عالم انسانی به قوای عقلیه و قوای مادیه تنها ترقی نکند، بلکه به جهت ترقی صوری و معنوی و سعادت فوق‌العاده انسانی نفثات روح القدس لازم است و باید قوه الهیه یعنی روح القدس تأیید کند و توفیق بخشد تا آنکه هیأت بشر ترقیات فوق العاده نموده بدزجه کمال رسد..."^۴

در یک جامعه ایده‌آل توازن بین مادیات و روحانیات وجود دارد. مادیات و روحانیات دو جنبه مختلف دارند، و لزومی در رد کامل یکی و قبول کامل دیگری نیست. به وسیله هماهنگی دوجانبه بین امورات مادی و معنوی میتوان پیشرفت قابل توجهی در پیشبرد مقاصد عالیه انسانی و توسعه و ترقی کل جامعه ترتیب داد. در سطح وسیع‌تر جامعه به فرموده بیت‌العدل اعظم "حل اساس مشکلات اقتصادی جهان را باید در توجه هم‌زمان به موازین مادی و روحانی جستجو کرد."^۵ آثار مبارکه دیدگاه روشنی از مادیات و روحانیات به ما میدهد که در آن مادیات وسیله‌ای هستند برای کسب اهداف عالیه از جمله احتیاجات ضروریه در حیات شخصی و خانوادگی و همچنین پیشبرد آسایش کل جامعه. در پیام بیت‌العدل اعظم چنین آمده: "حضرت بهاء‌الله در بیان مقتضیات عالم خلقت، تأیید میفرماید که پیشرفت هر امری و تحقق هر هدفی معلق به وجود اسباب و وسایل است. تعمق در این بیان مبارک به انسان می‌آموزد که پیوسته باید بین هدف و اسباب وصول به آن تفاوت قائل شد و اجازه نداد که به دست آوردن آنچه وسیله‌ای بیش نیست جای هدف را در زندگی انسان بگیرد. مثلاً مال و منال در مقام وسیله‌ای ضروری برای نیل به اهدافی متعالی، از جمله معیشت روزانه، ترقی خانواده، خدمت به جامعه و اقداماتی در جهت استقرار مدنیت جهانی، ممدوح و مقبول است، ولی شایسته شأن انسان نیست که کسب آن را به خودی خود هدف غائی و منظور نهائی زندگی خویش قرار

دهد.^۶ دیدگاه بهائی در رابطه با هدف و وسیله به موضوع مهم دیگری نیز اشاره میکند و آن اینکه هدف هر قدر عالی و مهم باشد نیل به آن از راههای نادرست و یا توسل به اسباب نامساعد و مضر پسندیده نیست. در همان پیام بیت‌العدل اعظم میفرمایند: "نکته مهم دیگری که با روح تعالیم الهی مطابقت دارد آن است که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، بدین معنی که یک هدف هر قدر والا، مفید و شگوهمند باشد و یا حصولش برای زندگی فرد و خانواده ضروری شناخته شود، نیل به آن از راه نادرست و توسل به اسباب ناپسند جایز نیست. متأسفانه در عصر حاضر برخی از سیاستمداران و رهبران اجتماعی و مذهبی و همچنین عده‌ای از کارگزاران بازارهای مالی بین‌المللی، گروهی از مدیران شرکتهای چندملیتی و ارباب صنایع و تجارت و جمعی از مردم عادی، تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و علی‌رغم ندای وجدان خویش، این نکته مهم و اساسی را نادیده گرفته، رسیدن به اهداف خود را از هر طریقی مشروع می‌شمرند."^۷

در این بیان به چند موضوع مهم و قابل توجه اشاره شده است. میفرمایند "هدف وسیله را توجیه نمی‌کند." یکی از اهداف مهم هر سازمان تجارتي کسب سود قابل توجه میباشد، و البته هیچ ایرادی نیست در این نیت، زیرا در غیر این صورت قادر نیستند در بازار کار باقی بمانند. ایراد زمانیست که سود حاصله از راههای نادرست و ناپسند کسب شود. بطور مثال تعدادی از سازمانهای تجارتي در چند دهه اخیر سود حاصله و بخشی از ثروت کمپانی را بصورت ثروت پنهان در بانکهای خارجی سرمایه‌گذاری کرده (offshore banking) تا از این طریق از پرداخت مالیات به دولت مصون باشند و یا به عبارت دیگر مالیات به آنان تعلق نگیرد. عدم پرداخت مالیات به دولت باعث ایجاد مشکلات فراوان در برنامه‌های رفاهی جامعه میشود. بیت‌العدل اعظم در این بیان اشاره به "فشارهای اجتماعی" می‌نمایند. در مورد همین سازمانها باید گفت که مدیران و صاحبان آن حتی اگر باوجدان باشند، ولی به علت فشارهای اجتماعی مجبورند از وسایل ناپسند جهت کسب سود بیشتر استفاده کنند. مثلاً در بازار آزاد خریداران سهام از کمپانیهای خرید سهام میکنند که دارای سود قابل توجه میباشد. سود قابل توجه نشانه‌ای از موفقیت کمپانی به حساب می‌آید. کمپانیها از چند طریق سود را در سطح بالا نگاه میدارند. عدم پرداخت بخشی از مالیات یکی از آن طرق محسوب میشود. طرق دیگر عبارتند از: پرداخت دستمزد پایین‌تر، انتقال قسمت تولیدی کارخانه به کشورهای که دارای دستمزد پایین‌تر است، و دسترسی به منابع ارزان‌تر که میتوان آنها را از طریق کشورهای در حال رشد تهیه کرد. ملاحظه میکنیم که در جمیع این موارد هدف کاهش هزینه و افزایش سود

است. بنا بر این به نظر میرسد که قسمت عمده این روند جامعه مانریالیستی و یا مادی‌گرا مطابق با احکام بهائی نیست و جنبه منفی دارد. این عوامل منفی بازار آزاد عمل به تعالیم و احکام بهائی را برای بهائیان و آنان که با بهائیان هم‌فکر هستند دشوار می‌سازد. بیت‌العدل اعظم در این باره چنین می‌فرماید: "عوامل منفی متعدد که زاییده جو مادی‌گرا و فساد اقتصادی دنیای امروز است، پیروی از روش و سلوک بهائی را در رابطه با امور مالی صعب و دشوار می‌سازد."^۱

یکی از مواردی که زاییده جو مادی‌گرا در دنیای امروز است، بخصوص در محیط بازار آزاد، در رابطه با خواستها و نیازمندیهای ضروری و غیرضروری در حیات شخصی و خانوادگی می‌باشد که به پدیده مصرف‌گرایی منجر شده است. در اینجا به چند مورد آن بطور مختصر اشاره میشود:

۱. خواستهای انسان نامحدود هستند، و هنگامی که این پدیده با حرص و طمع توأم میگردد، خواستها تمامی نخواهد داشت. از این رو، خرید اجناس از روی طمع از عوامل مهم مصرف‌گرایی محسوب میشود.

۲. خواستهای انسان میتواند محدود شود، در صورتی که درآمد نیز در حد ثابت قرار گیرد. ولی از آنجا که درآمد در اکثر موارد و در اکثر جوامع سیر صعودی دارد، بخصوص در کشورهای پیشرفته و در حال رشد، از این رو خواستهای اکثریت مردم قابل کنترل نیستند.

۳. خواستهای انسان مکمل یکدیگر هستند، بدان معنی که گروهی از اجناس و خدمات در کنار هم تکمیل میشوند، مانند نوعی از خوراکیها و اساسیه منزل. حال نوع تکمیل اجناس در کنار یکدیگر بستگی به درآمد افراد دارد و یا بستگی به طرز زندگی آنان، که آیا دارای یک زندگی ساده هستند و یا با تجملات زندگی عادت کرده و بآن تعلق پیدا کرده‌اند.

۴. خواستهای انسان با یکدیگر در حال رقابت هستند. مثلاً ما یک تلویزیون داریم و یکی بهتر از آن به بازار می‌آید و آن را هم می‌خریم. زمانی متوجه میشویم که خانه پر از وسایلی شده که از هر نوع چندین قطعه خریداری کرده‌ایم. این روش نیز نوعی از مصرف‌گرایی است.

۵. خواستهای انسان صورت عادت پیدا میکنند، حتی در زمانی که درآمد افراد ثابت است و یا در زمانی که با بیکاری مواجه هستیم. در چنین مواقعیست که بسیاری از افراد زیر بار قرض می‌روند، زیرا حاضر به ترک عادت نیستند و به خرید لوازم و خدمات غیرضروری همچنان ادامه میدهند.

۶. گروهی از مردم توجه بیشتر به خواسته‌های زمان حاضر دارند، بدون ملاحظه به اوضاع و شرایط آینده. معمولاً این افراد با کمبود پس‌انداز روبرو میشوند و یا عادت به پس‌انداز قسمتی از درآمد خود ندارند. از آنجا که خرید بسیاری از اجناس و خدمات از طریق کارتهای اعتباری صورت میگیرد و یا سهولت در اخذ وام وجود دارد، بسیاری از افراد زیر بار قرض رفته و مشکلات عدیده‌ای برای خود و خانواده خود بوجود می‌آورند.

۷. در بسیاری از موارد انسان اطلاع کافی در مورد کالاها و خدمات موجود در بازار ندارد و این باعث میشود اجناسی را خریداری کنند و یا خدماتی را برای خود و خانواده خود انتخاب نمایند که کمتر مورد احتیاج است و یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. در عین حال امکان آن هست که خریداران به علت عدم اطلاع کافی و درست از خرید بعضی از اجناس ضروری محروم شوند. در هر دو صورت ما شاهد کمبود و یا اضافه تولید کالاها در بازار میشویم. این نکته نیز قابل ذکر است که بسیاری از اجناس از طریق آگهی‌های جذاب بازرگانی خریداری میشوند. هرچند بسیاری از آگهی‌های بازرگانی اطلاعات لازمه در مورد اجناس را در اختیار خریداران قرار میدهند، ولی در عین حال ما شاهد نوعی از این آگهی‌ها هستیم که فریب‌دهنده میباشند.

تصمیمات مردم بطور شخصی و یا خانوادگی که در مورد خرید وسایل زندگی از قبیل خوراک و پوشاک و سایر ضروریات زندگی اتخاذ میشود تأثیر فراوان در اوضاع اجتماعی-سیاسی-اقتصادی یک جامعه میگذارد. تصمیمات خریداران و تولیدکنندگان کالا و خدمات نه تنها در زندگی خانواده‌ها مهم است، بلکه در محیط زیست نیز تأثیرگذار است. لذا برای ایجاد یک محیط سالم از لحاظ اجتماعی-سیاسی-اقتصادی جمیع شرکت‌کنندگان بازار میبایست آگاهی کافی از نتایج اعمال خود داشته باشند. تعدادی از احکام و تعالیم بهائی راهنمای مناسبی برای این منظور محسوب میشوند، از جمله: تعلیم و تربیت عمومی و اجباری، تحری حقیقت، وحدت عالم انسانی، هماهنگی بین دین و علم و عقل و همچنین تصمیم‌گیری از طریق مشورت بهائی. آگاهی به این تعالیم و عمل بآنها باعث میشود که کلیه شرکت‌کنندگان در بازار و بخصوص خریداران و تولیدکنندگان بین اجناس با ارزش و بی‌ارزش تفاوت قائل شوند. با ارزش از این لحاظ که آنچه تولید میشود و مصرف میشود درخور مقام انسان است، به محیط زیست صدمه وارد نمی‌آورد، و در عین حال رفاه و آسایش نسل آینده نیز در نظر میآید.

در ادامه این بحث اشاره‌ای مختصر به جنبه‌های مختلف مادی‌گرایی، ثروت و درآمد میشود. مادی‌گرا کسی است که رسیدن به آسایش جسمانی خود را بالاترین ارزش میداند. چنین افرادی پیوسته در صدد داشتن رفاه و آسایش بیشتر و داشتن کالاهای بیشتر هستند. چنین افرادی معمولاً گرایش کمتری به روحانیات داشته و به مادیات توجه دارند. از جنبه‌های مادی‌گرایی پدیده‌ای بوجود آمده بنام مصرف‌گرایی که از چالش‌های بزرگ جامعه امروز بحساب می‌آید. ثروت از طرف دیگر آن است که انسان از طریق سرمایه‌گذاری در تجارت و یا از طریق مالکیت خصوصی و خرید سهام بدست می‌آورد. از دیدگاه بهائی کسب ثروت با شرایطی که به آن اشاره خواهد شد ممدوح است. درآمد در رابطه با دستمزد روزانه است که دائماً در جریان است. لذا ثروت یک نوع ذخیره است (stock) و با درآمد (income) که همواره در جریان است فرق میکند. درآمد کل یک کشور توسط درآمد سرانه (Gross Domestic Product) محاسبه میشود. این واحد اندازه‌گیری عبارت است از ارزش تمامی کالاهای تولیدی و خدمات مربوط به آن در طول یک سال. این واحد اندازه‌گیری صرفاً بر مبنای ارزش پولی کالاهای تولیدی و خدمات است و از این رو تولید کالا و خدماتی را که مضر به حال انسانها و محیط زیست میباشد نادیده می‌گیرد، و بنا بر این از لحاظ اخلاقی سنجش مناسبی به نظر نمی‌آید. اشاره به این مطلب لازم است که درآمد تنها یکی از عوامل رفاه و آسایش است. خوشبختی افراد از طرف دیگر به عوامل مختلف بستگی دارد از جمله درآمد، محیط خانواده، محیط کاری، آزادی در جامعه، نقش دولت در ایجاد رفاه عمومی، آموزش و پرورش، بهداشت و سلامتی، اتحاد بین افراد جامعه، تساوی حقوق رجال و نساء، امنیت عمومی، محیط زیست سالم، و داشتن رشد روحانی افراد جامعه.

در آثار بهائی کسب ثروت ظاهری منع نشده، ولیکن ثروت حقیقی از اهمیت خاصی برخوردار است. اصطلاح ثروت حقیقی در ادیان دیگر نیز بیان شده، از جمله در آثار آئین بودائی از آن به عنوان ثروت شرافتمندانه نام برده شده است. تفاوت در این است که آئین بودائی پیروانش را به داشتن یک زندگی ساده و عدم کسب ثروت ظاهری تشویق کرده. در آثار بهائی ثروت ظاهری با شرایطی که بعداً به آن اشاره خواهد شد، مجاز شناخته شده. هر دو اصطلاح ثروت حقیقی (TRUE WEALTH) و ثروت شرافتمندانه (NOBLE WEALTH) عبارتند از کسب ثروت از طریق فضائل پسندیده اخلاقی مانند درستکاری، امانت‌داری، راست‌گوئی، عدالت و صداقت و داشتن انصاف در کار و پیشه و فروش کالا.

آئین بهائی دیدگاه خاصی نسبت به مفهوم ثروت ارائه میدهد که در نوع خود بی‌نظیر است. این دیدگاه به هر دو جنبه مادی و روحانی آن توجه دارد. با توجه به اینکه انسان ذاتاً با سرشتی پاک متولد میشود، لذا یک فرد بهائی از طریق ارزشهای درست اخلاقی به کسب آن گونه ثروتی میپردازد که پسندیده مقام انسان است. بطور مثال، انقطاع از مادیات ستوده شده بدون آنکه کسب ثروت منع شده باشد. به نظر میآید که این دو متضاد یکدیگر باشند، زیرا معمولاً کسب ثروت و وابستگی به آن با هم صورت میگیرند. مشکل هنگامیست که انسان ثروت ظاهری را به مراتب جدی تر و با ارزش تر از ثروت حقیقی پندارد. به عبارت دیگر، انسان به ثروت ظاهری تعلق پیدا کند و یا به آرایش غنا دل بندد. حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه چنین میفرماید: "ای فرزند هوی: از آرایش غنا پاک شو و با کمال آسایش در افلاک فقر قدم گذار تا خمر بقا از عین فنا بیاشامی."^۹

از دیدگاه بهائی آن گونه ثروتی پسندیده است که از طریق راههای درست و قانونی کسب شود و آن در راههای مفید و سودمند به حال کل جامعه بکار افتد و مورد استفاده قرار گیرد، از جمله در امور خدمات اجتماعی، آموزش و پرورش، در اشاعه صنعت کشاورزی و تکنولوژی، و در هنر و موسیقی، و بطور کلی در جمیع اموری که باعث پیشرفت یک جامعه میشود. ثروتهائی که در این گونه خدمات و تولید کالاهای مفیده سرمایه‌گذاری شوند دارای بازده بالاتر میباشند. از این رو هر گونه سرمایه‌گذاری که به رشد و پرورش و خلاقیت نفوس کمک کند قابل تمجید است. بیت‌العدل اعظم به عامل ترقی و رفاه نسبی اکثریت بهائیان ایران در گذشته اشاره کرده و چنین میفرماید: "... ایجاد مدارس و درمانگاهها و تشکیل مؤسسات اداری و تدابیر لازم که هدفش خودکفائی و رفاه جامعه بود همه از اوائل پیدایش امر الهی از خصوصیات ممیزه سیر اصیل و متحد رشد و ترقی به شمار می‌رفت و حال در آفریقا و آمریکای لاتین و قسمت‌هایی از آسیا همان فرصت و همان مهم دوباره پیدا شده."^{۱۰}

حضرت عبدالبهاء در باره اهمیت ثروت و هدف آن و وسیله بدست آوردن آن چنین میفرماید: "غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت به فضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه صرف شود و علی‌الخصوص اگر شخص عاقل و مدبر تشبث به وسایلی نماید که جمهور اهالی بثروت و غنای کلی برسند. همتی اعظم از این نه. عندالله اکبر مثنوبات بوده و هست، چه که این بلندهمت سبب آسایش و راحت و سدّ احتیاجات جمع غفیری از عباد حق گردد. ثروت و غنا بسیار ممدوح اگر هیئت جمعیت ملت غنی

باشد و لکن اگر اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سائرین محتاج و مفتقر و از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود این غنا از برای آن غنی خسران مبین است. ولی اگر در ترویج معارف و تأسیس مکاتب ابتدائیه و مدارس و صنایع و تربیت ایتم و مساکین، خلاصه در منافع عمومیّه صرف نماید آن شخص عند الحقّ و الخلق بزرگوارترین سگان زمین و از اهل اعلیٰ علیین محسوب." ۱۱

حضرت عبدالبهاء در این بیان به چند مطلب مهمّ و اساسی اشاره میفرمایند، از جمله آنکه کسب ثروت در دیانت بهائی ممدوح است، دیگر آنکه چگونه ثروت میبایست کسب شود، و به چه صورت ثروت مصرف گردد، و اشاره به اینکه هیئت جمعیت ملت باید غنی باشد.

روشهای درست در استفاده از ثروت، بخصوص سرمایه‌گذاری در قسمت‌هایی که باعث بروز استعدادات و خلاقیت افراد جامعه میشود، به کاهش فقر نیز کمک شایان میکند. در مورد جامعه بهائی و توجه و عمل به احکام و تعالیمی مانند اهمّیت کار، تعلیم و تربیت عمومی و اجباری، شرکت نسوان در فعالیتهای اجتماعی و برخورداری از حقوق مساوی با رجال، اهمّیت صنعت و تکنولوژی، کسب ثروت و سرمایه‌گذاری در امور عام‌المنفعه، انتظار آن هست که افرادش از یک رفاه نسبی برخوردار باشند و در طولانی مدت فقر مطلق ریشه‌کن گردد. بطور کلی جوامعی که دارای این خصوصیات میباشند شهروندان آن نیز از رفاه بیشتر برخوردارند.

آئین بهائی یک برنامه کلی‌نگر (HOLISTIC) ارائه میدهد و آن شامل اجرای تعالیم اجتماعی-سیاسی-اقتصادی و روحانی میباشد. این برنامه کلی‌نگر یک زندگی ایده آل را که شامل رفاه کلی جامعه است در نظر دارد. رفاه کلی جامعه را نمیتوان تنها از جنبه مادی نگاه کرد، اخلاقیات و روحانیات جزئی از این نگرش است. حضرت عبدالبهاء در نطقهای خود در سفرهای اروپا و آمریکا اشاره به ارزشهای فرموده‌اند که لازمه هر سیستم اجتماعی-سیاسی-اقتصادی میباشد، از جمله آموزش و پرورش، بهداشت و سلامتی، خوراک و پوشاک، مسکن و به طور کلی ایجاد حدّ اقل رفاه برای عموم افراد یک جامعه.

دیدگاه بهائی به سعادت کلّ جامعه میاندیشد و هنگامی که کلّ جامعه به یک رفاه نسبی دست یافت افراد آن که جزئی از این جامعه محسوب میشوند نیز به آسایش نسبی میرسند. به عبارتی از اینکه غنی به هم‌نوع خود کمک مینماید احساس رضایت و خوشنودی میکند. حضرت عبدالبهاء در این باره چنین میفرمایند: "به زودی زمانی فرا خواهد رسید که بشر حساس‌تر و رقیق‌القلب‌تر از امروز خواهد شد، به نحوی که ثروتمندان با ملاحظه وضع رقت‌بار فقرا در اطراف خود لذتی از

ثروت خود نخواهند برد و به خاطر خوشبختی خود هم که شده مجبور خواهند شد که ثروت خویش را در راه بهبود جامعه‌ای که در آن زندگی میکنند به کار اندازند.^{۱۲} از کمکهای مادی که از طرف کشورهای غنی به طرف کشورهای در حال رشد صورت میگیرد و احتمالاً خالصانه است بگذریم، از دیگر دلایل این است که این کشورهای غنی متوجه شده‌اند که مشکل فقر در کشورهای در حال رشد میتواند مشکل بزرگی برای کشورهای ثروتمند محسوب گردد. حضرت عبدالبهاء در این مورد چنین میفرماید: "ثروت اگر بینهایت شود شخص صاحب ثروت در زیر حمل ثقیل افتد و در غایت زحمت و محنت افتد و اداره دایره ثروت مفرطه بسیار مشکل شود و قوای طبیعی انسان مضمحل گردد."^{۱۳} این موضوع احتیاج به بحثی در خصوص تقسیم عادلانه ثروت دارد که از عهده این مقوله خارج است. در اینجا چند کلمه‌ای در باره دو عبارت مساوات و مواسات درج میشود که رابطه نزدیک با موضوع این مقاله دارد.

یکی از تعالیم دیانت بهائی در رابطه با جایگاه مادیات در حیات شخصی و از این طریق در کل جامعه که رابطه نزدیک با اقتصاد اخلاقی دارد این است که مواسات به مساوات ترجیح داده شده است. مواسات و مساوات هر یک در جامعه نقش مخصوص خود را دارند. مواسات بدان معنیست که سهم مادی بر اساس استعدادات، خلاقیت، تحصیلات، و نوع کار افراد است. مساوات از طرف دیگر بدان معنیست که جمیعاً از لحاظ سهم مادی از یک درآمد تقریباً مساوی برخوردار میشوند. از دیدگاه بهائی نظریه مساوات اقتصادی نه عملیست، نه امکان‌پذیر، و نه بر اساس عدالت. سیستمهایی که از این نظریه پشتیبانی کرده‌اند با شکست روبرو شده‌اند. حضرت عبدالبهاء میفرماید: "مساوات تام نیز مخل زندگانی و راحت و انتظام و آسایش نوع انسانی"^{۱۴} است. البته مساوات به معنای وجود آوردن موقعیتهای پسندیده است و همه افراد بشر میبایست از موقعیتهای مساوی جهت کسب علم و دانش و برای کسب رفاه و خوشبختی نسبی برخوردار باشند. وظیفه آنان که در اداره امور و تصمیم‌گیری هستند این است که چنین فرصتهایی را برای جمیع شهروندان بوجود آورند تا جمیعاً فرصت آن را داشته باشند که از هوش و ذکاوت و استعدادات خود کمال استفاده را بنمایند. در عین حال مساوات از دیدگاه بهائی آن است که جمیع شهروندان از حدّ اقل رفاه و سعادت برخوردار گردند. این مسئله پرداخت دستمزد میبایست مورد توجه متصدیان امور و برنامه‌ریزان جامعه قرار گیرد.

و اما عدالت اجتماعی بر اساس مساوات است و همه شهروندان یک جامعه در مقابل قانون دارای حقّ مساوی هستند. از دیدگاه بهائی جمیع افراد بشر مساوی هستند، نه

بدان معنی که همانند یکدیگرند و یا از استعدادات و نبوغ مساوی برخوردارند، بلکه به جهت آنکه جمیعاً آفریده خداوند هستند. در بیانی حضرت عبدالبهاء چنین میفرمایند: "جمیع بشر در نزد خدا یکسانند، حقوقشان حقوق واحده، امتیازی از برای نفسی نیست، کلّ در تحت قانون الهی هستند، مستثنائی نه، در نزد حقّ امیر و فقیر یکسانند...^{۱۵}" و در شرح حکم مواسات حضرت عبدالبهاء چنین میفرمایند: "باید کوشید تا نوع انسان سعادت ابدی یابد، قواعدی در این خصوص لازم که هم مراتب باقی ماند و هم افراد هیئت اجتماعی در کمال آسایش باشند... هر یک در مقام خود با کمال راحت زندگانی نماید."^{۱۶} از نگاه اقتصادی مواسات حکم بر آن دارد که در بازار کار دستمزد افراد متفاوت است و آن بستگی به کوشش، استعدادات و خلاقیت آنان دارد. لذا سطح زندگی افراد و خانواده‌ها نیز متفاوت است. و اما برای آنکه حدّ اقلّ رفاه برای جمیع شهروندان مهیا باشد دخالت دولت لازم است. در این بیان حضرت بهاءالله به دو پدیده مساوات و مواسات اشاره میفرمایند: "آفریننده یکتا مردم را یکسان آفریده و او را بر همه آفریدگان بزرگی داده، پس بلندی و پستی و پیشی و کمی بسته به کوشش او است، هر چه بیشتر کوشد پیشتر رود."^{۱۷} در همین مورد حضرت بهاءالله چنین میفرمایند: "و اما ما سئَلْتُ عَنِ الْفِطْرَةِ فَأَعْلَمُ بِأَنَّ كُلَّ النَّاسِ قَدْ خَلَقُوا عَلَى فِطْرَةِ اللَّهِ الْمُهَيْمِنِ الْقَيُّومِ وَقَدَّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ مَقَادِيرَ الْأَمْرِ عَلَى مَا رُقِمَ فِي الْأَوَاحِ عَزَّ مَحْفُوظٌ وَلَكِنْ يَظْهَرُ كُلَّ ذَلِكَ بَارَادَاتٍ أَنْفُسَكُمْ."^{۱۸}

ترجمه بیان مبارک به فارسی چنین است: "و اما اینکه از فطرت سؤال کرده بودی، بدان که همه مردمان بر فطرت خداوند مهیمن و قیوم خلق شده‌اند. به هرکس مقدار معین مطابق آنچه که در لوح محفوظ الهی ثبت شده مقدّر گشته، و لکن تمام آنچه که مقدّر شده به میل و اراده خودتان ظاهر و آشکار میشود." (ترجمه باهر فرقانی) در رابطه با این بیانات مبارک در آئین بهائی دستمزد افراد متفاوت خواهد بود و بستگی به نوع کار و کوشش و استعداد و حرفه و فن هر فرد دارد. میفرمایند: "هر چه بیشتر کوشد پیشتر رود." از این رو، سطح زندگی افراد مساوی نیست. حضرت عبدالبهاء میفرمایند که: "در هیئت اجتماعی مراتب باقی میماند و هر یک در مقام خود با کمال راحت زندگانی نماید."

در خاتمه بیان این مطلب لازم است که دکترین اقتصادی بهائی روش برخورد انسانها را در رابطه با جایگاه مادیات در حیات شخص و همچنین در مصرف کالاها و خدمات مربوطه مورد بررسی قرار داده و احکام و تعالیمی ارائه میدهد که در تنظیم امور مادی مؤثر میباشند. از جمله این تعالیم اجرای اعتدال در جمیع امور است. نه تنها شخص غنی میبایست اعتدال را رعایت کند و از طریق زندگی ساده‌تر

از تعلق به مادّیات رهائی یابد، فقیر نیز باید همت کند و از یک آسایش نسبی برخوردار شود. بیانات مبارکه در خصوص اعتدال فراوانند، از جمله حضرت عبدالبهاء چنین میفرمایند: "امر تعدیل معیشت بسیار مهمّ است و تا این مسئله تحقّق نیابد سعادت برای عالم بشر ممکن نیست."^{۱۹} لازم است که بین پدیده مصرف‌گرایی و داشتن یک زندگی ایده‌آل بر اساس حکم اعتدال، تفاوت قائل شویم. از جمله خصوصیات اعتدال این است که باعث یک نوع تعادل بین زندگی مادّی و روحانی افراد میشود. اعتدال همچنین مصرف‌گرایی مفرط را از بین میبرد. از این طریق تولید کالاهای بی استفاده و آنهایی که باعث از بین بردن منابع طبیعی میشوند و یا به محیط زیست صدمه میرسانند کاهش می‌آید. از این رو مشاهده میشود که در آثار بهائی اعتدال در جمیع امور تشویق شده است. در بیانی حضرت بهاء‌الله میفرمایند: "در جمیع امور باید رؤساء به اعتدال ناظر باشند، چون هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود. مثلاً حرّیت و تمدّن و امثال آن مع آنکه بقبول اهل معرفت فائز است، اگر از حدّ اعتدال تجاوز نماید سبب و علّت ضرر گردد..."^{۲۰} حضرت عبدالبهاء دخالت دولت و لزوم قوانین لازم در ایجاد اعتدال را ضروری میدانند. از جمله میفرمایند: "اعتدال اینست که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی لزوم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه جمهور گردد."^{۲۱} از طریق دخالت دولت و تدوین و وضع قوانین لازمه که شامل مالیاتهای گوناگون و مزایای رفاهی میشود به رفاه عموم جامعه کمک شایان میکند. آن گروه از کشورها که دارای این شرایط هستند شهروندان آن کشورها نیز از یک رفاه نسبی و ایده‌آل برخوردارند.

مآخذها

۱. حضرت بهاء‌الله: منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، لجنه نشر آثار امری بلیان فارسی و عربی، لانگنهاین - آلمان، نشر اول، ۱۴۱ بدیع، ص ۵۸.
۲. حضرت عبدالبهاء: رساله مدنیّه، ص ۵۵.
۳. ایضاً: سفرنامه حضرت عبدالبهاء: جلد اول، ص ۲۸۴.
۴. ایضاً: نقل از «پیام ملکوت»، تألیف عبدالحمید اشراق‌خاوری، چاپ هند، ص ۱۲۸.
۵. نقل از پیام بیت‌العدل اعظم، مورّخ ۱۳ شهرالبهاء ۱۶۷، مطابق با ۲ آوریل ۲۰۱۰.
۶. ایضاً.

۷. ایضاً.
۸. ایضاً.
۹. حضرت بهاءالله: کلمات مکنونه فارسی، قطعه ۵۵.
۱۰. بیت العدل اعظم: قرن انوار، نشر مرکز جهانی بهائی، چاپ دوم، ۲۰۰۲، ص ۸۸.
۱۱. حضرت عبدالبهاء: رساله مدنیه، صص ۳۱-۳۲.
۱۲. ایضاً: نقل از «پیام بهائی»، شماره ۲۷۷، ص ۳۸.
۱۳. ایضاً: مفاوضات، مؤسسه مطبوعات ملی بهائیان پاکستان، ص ۲۲۸.
۱۴. ایضاً.
۱۵. ایضاً: نقل از «پیام ملکوت»، ص ۱۲۶.
۱۶. ایضاً: سفرنامه، جلد اول، ص ۲۹۱.
۱۷. حضرت بهاءالله: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صص ۵۹-۶۰.
۱۸. ایضاً: نقل از «خلق جدید و صنع بدیع»، ترجمه All Things Made New، اثر John Ferraby، ۱۹۹۸، ص ۴۰۹.
۱۹. حضرت عبدالبهاء: خطابات، قسمت دوم، ص ۱۴۸.
۲۰. حضرت بهاءالله: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صص ۱۴۰-۱۴۱.
۲۱. حضرت عبدالبهاء: مفاوضات، ص ۲۲۷.